

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسیاری از اسامی سوره‌های قرآن از جانب خدا و پیامبر و ائمه علیهم السلام انتخاب نشده است. در زمان نزول، مردم می‌خواستند یکدیگر را به سوره‌ها ارجاع بدهند، معمولاً اسمهایی که در سوره‌های دیگر نبود را به کار می‌بردند مانند بقره، نحل، نمل؛ اما اسمهایی که وضع شده هم داریم مثلاً اخلاص اسم سوره است، برای سوره مبارکه بقره در احادیث کلمه فسطاط، صنم، و زهراء؛ فسطاط یعنی خیمه، صنم قله، زهراء درخشنده. لذا ما هم احتراماً این سوره را فسطاط القرآن، همان خیمه قرآن می‌نامیم.

اول سوره خداوند یک جریان شناسی کرد: متقین، کافرین. برای آن کافران یک مصداق شناسی کرد می‌گویند ایمان به خدا و قیامت؛ ایمان به پیامبر اسلام و قرآن نمی‌خواهد. اینها چه کسانی هستند؟ بنی اسرائیل هستند. اینکه سوره آنها را معرفی می‌کند، تاریخشان و مسائل مربوط به آنها را ذکر می‌کند، در این راستا است. گفتیم به این عهد وفا کنید؛ «أَوْفُوا بِعَهْدِي» چیست؟ عهد، ایمان به پیامبری که بعداً می‌آید و تصدیق کننده کتاب شماست؛ شما باید اولین مومنان باشید، حالا اولین کافران هستید! به بهای دنیا آیات من را نفروشید! پیامبر و قرآن را که حق است، باطل جلوه ندهید، شما که می‌دانید اینها حق هستند، اقامه نماز کنید، ایتاء زکات کنید، رکوع کنید؛ یعنی خاضع باشید، اینها ادعا می‌کردند که ما مردم را به نیکی فرا می‌خوانیم! این چه به نیکی فراخواندنی است که حقیقت خودش را انسان فراموش کند. از خدا باید مدد بگیرید، و این مدد گرفتن از خدا به وسیله صبر و صلاة بسیار بزرگ است، مگر بر خاشعان. خاشعان همان کسانی هستند که گمان راجح دارند به اینکه خدا را ملاقات می‌کنند. لذا به خشوع می‌رسند.

شما به عنوان قوم برگزیده تاریخ، مخاطب قرآن هستید. آن نقش راهبردی خودتان را در این مسئله ایفا نکنید؛ «وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ» چرا خدا قیامت را با این اوصاف معرفی کرد؟ چون دقیقاً اینها برخلاف این اوصاف می‌اندیشند، و همین باعث می‌شود که خیالشان را راحت کنند.

همین اندیشه آنها را به سمت فسق و کفر می‌کشاند. همین اندیشه در دو راهی‌ها و در بزنگاه‌ها سبب سقوط می‌شود، خدا به ما وعده کرده که ما یا جهنم نمی‌رویم، یا جهنم هم برویم خیلی آنجا نمی‌مانیم، «لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً» خدا اگر این وعده را کرده، مشروط است. یک عهد متقابل است، اینکه شما هم به عهدت وفادار باشی! اینکه تو به عهدت وفا نکنی، خدا به عهدش وفا کند، چنین چیزی نیست: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ». متأسفانه ما هم دقیقاً در همین نقطه گرفتار همین نگاه غلط به قیامت شدیم! و همین نگاه غلط ما را به سمت تسامح و تساهل خارج از حد و حساب، و غیرمقبول می‌کشاند. هر کس جزای عمل خودش را باید ببیند بی‌کم و کاست. «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ» از هیچ کسی شفاعت پذیرفته نمی‌شود. شفاعت هست برای کسی که به او خدا اجازه بدهد؟ «لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذنَ لَهُ الرَّحْمَنُ» ۶۰۰ صفحه مطلب خدا آورده برای باتقوا زندگی کردن ما! همه را بگذاری کنار و بگویی: شفاعت هست، این کفایت نمی‌کند.

شفاعت یعنی جفت شدن، انسان در قیامت با بعضی‌ها جفت می‌شود، همراه می‌شود. اتفاقات قیامت همه‌شان در واقع حقیقتی است از آنچه که در دنیا محقق شده بود: «مَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» این خبثات آن علمای فاسق و فاسد بنی اسرائیل بود با این فریب، مردمشان در آن بزنگاه حساس، که باید از پیامبر خدا حمایت می‌کردند، باید اولین مومنان به قرآن می‌شدند، نشدند؛ این گناه عظیم تاریخی اتفاق افتاد. چه کسانی این گناه را رقم زدند؟

«وَلَا يُؤَخِّدُ مِنْهَا عَدْلٌ» جایگزین هم از کسی پذیرفته نمی‌شود. «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» و به کسی یاری نمی‌رسد، کسی نمی‌آید کمک کند به دیگری که او را از زیر بار مسولیت عملش رها بکند.

تا آیه ۴۸ یک بیانیه خدا خطاب به بنی اسرائیل صادر کرد از اینجا به بعد بزنگاه‌های تاریخی امت بنی اسرائیل را می‌خواهد به یادشان آورد. توجه به این بزنگاهها از دو جهت اهمیت دارد: این که چطور شد بنی اسرائیل لیاقت خودش را از دست داد؟ و خداوند پیامبر آخر الزمان را از بین آنها مبعوث نکرد رویکرد دوم که به نظر بنده اگر اهمیتش بیشتر نباشد کمتر نیست، برای ما است. یعنی امت مسلمان اگر پایش را در جاده انحرافی بگذارد خود به خود تکرار تاریخ بنی اسرائیل رقم می‌خورد. ما باید به این مساله از این زاویه هم نگاه بکنیم؛ کجاها انحرافی را شبیه انحراف بنی اسرائیل در بین خود اجازه میدان می‌دهیم؟ با یادآوری نجات بنی اسرائیل از آل فرعون بحث آغاز می‌شود. همه چیز با نجات شروع می‌شود. قبل از نجات فرزندان حضرت یعقوب در دوره حضرت یوسف علیه السلام از کنعان به مصر آمدند، مورد احترام بودند. فراعنه مطیع و مومن به انبیاء بنی اسرائیل بودند. اما یک فرایندی اتفاق افتاد دیگر فراعنه گوششان بدهکار سخن انبیاء نبود. بنی اسرائیل عملاً به بردگی گرفته شدند. آل فرعونی که خود را خادمان بنی اسرائیل می‌دانستند، ادعای خدایی کردند و آنها را به بردگی گرفتند.

«يَسْؤُمُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ» بدترین مدل عذاب این بود «يَذُبُّونَ أَبْنَاءَكُمْ» پسران شما را به شکل کثیری می‌کشتند. اینها دنبال غلبه بودند. ۱۲۷ اعراف: «سَنَقُتْلُ... قَاهِرُونَ» اینها می‌خواستند قوم بنی اسرائیل هیچ وقت قدرت قیام و غلبه بر آل فرعون پیدا نکنند و «وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» اما زنده نگه داشتن زنان در جامعه‌ای که مردانش به حداقل رسیده خودش برای زنان خطر بود، در معرض آسیب قرار گرفتن این زنان بود. این خودش عذاب بود. سیاست غلبه‌ای آل فرعون بر بنی اسرائیل بود. انکار هم نمی‌کنم آل فرعون نگران تولد حضرت موسی (ع) هم شده بودند.

«وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» «ذَلِكُمْ» باید بخورد به «نَجَّيْنَاكُمْ» یعنی در نجات شما از آل فرعون بلایی است از پروردگار. آیا مگر نجات بلا می‌شود؟ بلا یعنی آزمایش. حالا این آزمایش را چطوری با آن برخورد کردند؟ کیفیت نجات چگونه بود؟ «نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

«وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ» شما رسیدید به دریا، پا در دریا گذاشتید، به واسطه شما دریا را شکاف دادیم. «فَأَنْجَيْنَاكُمْ» پس شما را نجات دادیم. «وَأَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ» و آل فرعون را غرق کردیم. نجات بنی اسرائیل با کیفیتی که دارد یک آزمایش عظیمی برای مردم است. با دست قدرت خدا فرعون مغلوب شد. «وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» و نگاه می‌کردید. پس «إِذْ» دوم نسبت به «إِذْ» قبلی کیفیتش را توضیح داد.

ما موسی را بردیم به میعاد به او فرقان دادیم جدا کننده حق از باطل، فرقان صفتی است برای کتاب «لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» باشد که شما هدایت پیدا کنید.

وقتی حضرت موسی علیه السلام از کوه طور برگشت، گفت: ای قوم من شما با این اتخاذ عجل به خودتان ظلم کردید «بَاتَّخَذِكُمُ الْعِجْلَ» با این گوساله پرستیتان، «تَوَبُّوا إِلَيَّ بَارِكُمْ» پس به سوی پروردگارتان توبه کنید، «فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»: توبه کنید یعنی بکشید خودتان را این «تَابَ عَلَيْكُمْ» جمله‌ی خداست و حکایت می‌کند از اینکه این مردم «تَوَبُّوا» «فَأَقْتُلُوا» را انجام دادند، یعنی آن توبه با کشتن «أَنْفُسَكُمْ» اتفاق افتاد، «فَتَابَ عَلَيْكُمْ...» پس خدا بخشد.

دقت کنید در روایات تصویر معقول تری از «فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» دیده شده که با قرآن هم هماهنگ است. و آن اینکه «فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» یعنی آن کسانی که گوساله پرست نشدند، بکشند گوساله پرستان را؛ اجرای حکم ارتداد است. یعنی حالا آنهایی که گوساله نپرستیدند بیایند حکم قتل گوساله پرستان را اجرا کنند.

چرا می‌فرماید: «أَنْفُسَكُمْ؟» یعنی شما همه با هم یکی هستید! به عنوان یک قوم واحد به شما نگاه می‌کند. «فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» یعنی خودتان باید دست به کار شوید آن بعض از خودتان را که گوساله پرستیدند مجازات بکنید و بکشید. مسله‌ی «فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» جریان اجرای حکم مرتدین است.

«فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ...» خدا به این ترتیب توبه‌ی شما را پذیرفت، با اجرای حکم مرتدین.

این «وَإِذْ قُلْتُمْ» یک یادآوری برای قبل از میعاد است. قبل از اینکه موسی علیه السلام بخواهد به میقات برود؛ شما یک حرفی زده بودید یادتان می‌آید؟ این به محض عبور از دریا بود. به محض عبور از دریا گذرشان افتاد به یک قریه‌ای، دیدند مردم بت می‌پرستند، گفتند: اگر می‌خواهی ما تو را به عنوان پیامبر قبول کنیم، ما فقط خدایی که ببینیم را قبول می‌کنیم!

۷۰ نفر را موسی علیه السلام به میقات برد کنار طور، فرمود: حالا اینجا بایستید «الرَّجْفَةُ» (اعراف/۱۵۵) زلزله و صاعقه آمد و ۷۰ نفر در دم مردند؛ اینها از مرگ برخوردار شدند. شاهد مرگ خود بودند: «وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» فهمیدند که مردند. بعد زنده‌شان کردیم؛ «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» باشد که شکرش را بجا بیاورید. یعنی این جای شکرش باقی است که خدا آنها را زنده کرد. والا اصلش این بود که همچین تقاضایی با یک گوشمالی بزرگ روبرو است، خدا را می‌خواهند ببینند؟ خدا مگر دیدنی است؟! لذا وقتی که موسی علیه السلام برگشته عجیب نبینید این مطلب را که بخواهد مرتدین را اعدام کند. این عجیب نیست. حجت در مسئله‌ی توحید با این قوم تمام شده بود «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». دقت کنید گفتم این آیات از نظر زمانی قبل از میعاد است.

مردم که از دریا رد شدند، اولین مسئله‌ای که برای اینها پیش آمده مسئله‌ی «اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا» بود. یعنی گفتند آنها خدا دارند، برای ما هم یک خدایی درست کن! آن جریان موت و «بَعَثْنَاكُمْ» اتفاق افتاد؛ حالا این مردم باید یک جایی توقف داشته باشند که موسی علیه السلام برود کتاب را بگیرد و بیاورد. این «وَأَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ» (طه/۸۰) اینها در کنار طور، آنجا سکنی گزیدند، خداوند این محیط را برایشان مهیای سکونت کرد. چون در صحرا بود، علی القاعده مسئله‌ی تابش آفتاب و مسئله‌ی حرارت زیاد و اینها یک مزاحم بود؛ هوا را با گردش ابرها تعدیل کرد، قابل تحمل کرد. دیگر اینکه «الْمَنِّ وَالسَّلْوَى» بر شما نازل کردیم. بعضی‌ها خیال کردند «الْمَنِّ وَالسَّلْوَى» نازل کردیم یعنی مثلاً صبح به صبح سفره پهن می‌شد، یعنی یک مقدار دسترسی‌شان به یک سری صمغ و شیرهای که می‌توانستند استفاده بکنند بیشتر شد. «السَّلْوَى» هم این بود که خدا فوجی از پرندگان یا به تعبیر بعضی از نقل‌ها فوجی از ماهی‌ها،

چون کنار دریا بودند ماهی‌ها را سوق می داد، می توانستند صید کنند. یعنی خدا این شرایط نامتعادل برای زندگی را تبدیل به شرایط نسبتاً متعادلی کرد، هوایش بهتر شود.

اینها طیبات روزی خداست، از این بخورید. وقتی می فرماید: «وَمَا ظَلَمُونَا» اینها همه ذیل این «إِذْ» است، هنوز «إِذْ» جدیدی نیامده. بعد از مرگ زنده تان کردیم، سایه آوردیم، «الْمَنِّ وَالسَّلْوَى» نازل کردیم، گفتیم بخورید؛ اما شما چه کار کردید؟ ظلم کردید. ولی مردم بدانید به ما ظلم نکردند! «وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ». حالا شما باید بگویید این ظلم چه بود؟ همان گوساله پرستی‌شان بود. یعنی این «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» همان گوساله پرستی بود. ظلم به خود وقتی است که حجت تمام شده باشد، خدا حجت را دوجور تمام کرده بود، هم به لحاظ توحیدی حالیشان کرده بود که خدا دیدنی نیست، هم به لحاظ شرایط زندگی منت بر سر آنها گذاشته بود و فضا را برای زندگی آنها مهیا و مساعد کرده بود؛ ولی اینها به رغم این الطاف الهی به خودشان ظلم کردند «كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ». و این ظلم به خود همان بود که در غیاب موسی علیه السلام گرفتار گوساله شدند.

بنی اسرائیلی که از مصر نجات پیدا کردند و قرار است به ارض مقدسه بروند؛ بین مصر و ارض مقدسه، بعد از نجات از دریا در این قریه ساکن شدند و در این قریه‌ی میانی آب و هوا را خدا خوب کرد، «الْمَنِّ وَالسَّلْوَى» را خدا نازل کرد، چشمه‌های دوازده گانه هم جوشید، به دوازده طایفه هم تقسیم شدند، یک نظام اجتماعی اولیه پیدا کردند.